

کانون صنفی و مصادره جنبش معلمان



پرویز همراه / اسفند ۱۴۰۰

کمبود در زندگی روز مره، بازهم باقیمانده آنچه را که زندگی تحت نظام سرمایه داری شاید برایشان باقی گذاشته در کف دست گرفته و با شرکت در این تجمعات اعتراضی فانوس بدست بدنبال ذره ای تغییر و بهبود در معیشت و شرایط زیست خود هستند

- کانون های صنفی نهاد هایی هستند که دقیقامشابه سندیکا ها در گذشته نقش آفرینی می کنند. اهرم هایی برای کنترل جنبش اعتراضی معلمان تا مبدا ذره ای از خطوط قرمزی که سرمایه داری و دولت اسلامیش برای آنان ترسیم کرده، عبور کنند. با نگاه به گذشته می توان دریافت اگر سندیکا و نهاد های مشابه توانسته اند جنبش کارگری و مطالبات آن را به سر منزل مقصود برسانند، کانون های صنفی نیز خواهند توانست. مضمون اطلاعیه های گوناگون کانون های صنفی این است که نظم حاکم سرنوشت مقدر و لایتغییر معلمان است و تنها می توان و می بایست بر سر صنار افزایش دستمزد با حاکمان سرمایه چانه زد.

با نزدیک شدن به پایان سال ، تعداد تجمعات اعتراضی معلمان بیشتر شده است. موج کوبنده گرانی و فلاکتی که زندگی تمام بخش های کارگری و از جمله معلمان را درنوردیده، ظاهرا معلمان را وادار می کند به فراخوان های پیاپی کانون صنفی لبیک گویند و هر چند روز یک بار تجمعی در مقابل مجلس و دیگر نهاد های دولت سرمایه بر پای دارند. شعار ها تکراری و در سراسر ایران یکسان می باشد. درخواست ها بر اساس منویات متولیان کانون ها تنظیم می شود. از تعداد شرکت کنندگان در هر تجمع کاسته و بوضوح می توان سرخوردگی را در گفتار و رفتار معلمان نسبت به اینگونه اشکال اعتراضی دید. ریزش محسوس شرکت کنندگان در قیاس با سالهای گذشته نشان می دهد بخش عمده ای از معلمان به این نتیجه رسیده اند که اینگونه اشکال اعتراضی راه به جایی نخواهد برد و ذره ای از مطالبات و خواسته های آنان را متحقق نخواهد کرد. در این نوشته کوتاه روی سخن ما با بدنه معلمان معترضی است که با دنیایی گرفتاری و

- بدنه معترض معلمان طی این چند سال تا حدی به این نتیجه رسیده که می بایست از کانون و چهار چوبی که برای طرح مطالبات معیشتی معلمان و نیز شیوه های طرح اعتراض تدوین نموده، عبور کند. شیوه های مبارزه و اعتراض را تغییر دهد. در غیر این صورت فرسایش، سرخوردگی و نومیدی که بدنبال این دست اعتراضات خواهد آمد و به بار نشستن خواسته ها و مطالبات آنان، همین سطح از اعتراض و مبارزه را نیز به رکود می کشاند.

- در یادداشتی که چند تن از دوستان معلم در نقد مطلب بهرام دزکی در خصوص نقش کانون های صنفی نوشته اند آمده: «در تجمعات پلاکاردی با مضمون درخواست آزادی معلمین و سایر زندانیان سیاسی در دست ما معلمین بوده است.» (نقل به مضمون) و از این مطلب نتیجه گیری می شود که جنبش معلمین بدرجاتی از رادیکالیسم برخوردار است. دوستان هر میزان رادیکالیسم در تمام بخش های جنبش کارگری با میزان ضد سرمایه داری بودن آن سنجیده می شود. هر حرکتی ولو بسیار کوچک اگر با سر بیدار ضد مناسبات سرمایه داری انجام پذیرد و در بطن خود و به نیروی خود به هر میزان ولو اندک تغییری در سطح زندگی هر بخش از طبقه کارگر ایجاد کند رادیکال تلقی می شود. شیوه ها و روش های مبارزه برای تحقق مطالبات می بایست بر ستون قدرت مند توان طبقاتی خود کارگران بنیان شود، به حرکت درآید، رشد کند

و در نهایت به ثمر نشینند. هر شیوه دیگری مبتنی بر درخواست ملتسمانه از کارفرما، نامه نگاری های بی حاصل، تجمعات جلو مجلس و دیگر نهاد های حکومت سرمایه هیچ میزان بهبودی در زندگی هیچ بخشی از کارگران ایجاد نخواهد کرد.

- یکی از بزرگترین بلاهایی که جنبش کارگری با آن روبروست پراکندگی و گسستگی بخش های مختلف این جنبش است. برنامه ای که سرمایه داری آگاهانه و هوشمندانه آن را شکل داده و به آن دامن می زند. بر سرمایه داری حرجی نیست زیرا دروغ بافی، وارونه پنداری، گمراه سازی و خاک در چشمان کارگران پاشیدن برای ندیدن دشمن واقعی بخشی از ماهیت این نظام بشر ستیز است. آنچه که باعث تاسف می شود این است که اینگونه سخنان را در شعارها و گفتارهای خود معلمان به عنوان بخشی از طبقه کارگر شنیده می شود. در بسیاری از تجمعات که با فراخوان کانون صنفی شکل می گیرد بارها و بارها این جملات و شعار های شرم آگین بگوش می رسد:

«تجمع امروز مربوط به معلمین بازنشسته است»

« کارنامه سبزها خواسته های متفاوتی دارند »

«نگذارید مطالبات معلمان با کارگران واحد های صنعتی قاطی شود»

و بسیاری دیگر شعارهایی که حتی بازنوشته آنها موجب شرمساری است.

- در پایان این مطلب کوتاه به عنوان تعدادی کارگر با درد مشترک به دوستان معلمی که

برغم گرفتار بودن در دریایی از نابسامانی های زندگی، کمبودها، فقر و تنگدستی، معضل بیکاری فرزندان، بیماری های گوناگون خود و اطرافیان، کهولت سن و هنوز ساکت ننشسته اند و اجازه نداده اند این مشکلات آنان را از پای در آورد می گوئیم:

به تلاستان، به ایستادگی خستگی ناپذیرتان درود می گوئیم و لحظه لحظه تلاش شما را ارج می گذاریم. ولی دوستان سالها تکرار یک شیوه برای مبارزه بدون هیچ حاصلی می بایست تاکنون ما را بیدار کرده باشد. لاقفل تلنگری زده باشد که «ریل مبارزه را می بایست تغییر داد». هر هفته تجمع در جلو ادارات آموزش و پرورش و یا مجلس رژیم تبدیل به کاری عبث شده که ذره ای از خواسته های معلمین را برآورده نخواهد کرد. ظاهرا خود

حکومت و ایادی آن هم به تجمعات عادت کرده اند و بودن یا نبودن آن برایشان تفاوتی ندارد. حتی با استناد به آمار می توان گفت که تعداد شرکت کنندگان هم هر بار کمتر و کمتر می شود. انتخاب و تکرار این شیوه هیچ گره ای از دنیای معضلاتی که با آن روبروید باز نخواهد کرد. هر میزان بهبود در زندگی و تحمیل هر مقدار از خواسته ها به تمامی کارفرمایان سرمایه مستلزم داشتن نیروست و این نیرو فقط و فقط در قدرت طبقاتی ما و در پیوند با سایر بخش های کارگری شکل می گیرد، رشد می کند، می بالد و در نهایت به آن نیرویی عظیم تبدیل خواهد شد که جریان وارونه تاریخ را برای همیشه تغییر داده و روی پای خود می گذارد.

